

بسم الله الرحمن الرحيم

تربیت خانوادگی از نگاه قرآن

دو. آیه ۱۴ سوره تغابن

یکی از آیاتی که با مبحث تربیت خانوادگی ارتباط داشت، آیه الها بود که ملاحظه کردید و یکی هم آیه عداوت است که در سوره تغابن آمده بود که **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغَفَّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**

مفهوم «عدو»

در این آیه نکاتی بود که اولین نکته که امروز کامل تر عرض خواهیم کرد این بود که عداوت در حقیقت دو معنا دارد:

الف. عداوت قصدیه

یک معنای ظاهری اولیه آن است که معنای حقیقی است و آن عنوان قصدی است یعنی وقتی عداوت می‌گوییم یعنی قصد دارد، این که این دشمن او است یعنی این که به آن شخص توجه دارد و در دل یک نوع کینه و نفرتی دارد و حالت عداوت است که غالب استعمالات قرآنی هم همین است.

ب. عداوت غیر قصدیه

معنای دوم عداوت که معنای مجازی یا شبه مجازی است عداوت غیر قصدیه است که نتیجه عداوت در چیزی است اما آن کیف نفسانی عداوت در آن جا نیست.

که عداوت به معنای اول کیف نفسانی از امور قصدیه بود که در این دشمنی های معمولی وجود دارد اما در معنای دوم این طور چیزی نیست، کیفیت نفسانی مشتمل بر کینه و نفرت و امثال این‌ها نیست بلکه گاهی کیف نفسانی به ظاهر مخالف با آن است، یعنی کیفیت نفسانی‌ای که در این فرد نسبت به او است به حسب ظاهر محبت و صداقت است ولی در همان جا می‌گوید عداوت که این عداوت به این معنا معنای مجازی می‌شود. پس معنای اول معنای حقیقی می‌شود و

از عناوین قصیده می‌شود و از کیفیات نفسانی‌های است که مقابل محبت و صداقت و... است، اما در معنای دوم معنای مجازی است که در آن قصد نیست و حتی ممکن است آگاهی هم نسبت به آن امر نباشد ولی نتیجه عداوت را می‌دهد، تأثیری که چیزی در چیز دیگری می‌گذارد، عداوت که کسی دارد به او آزار می‌رساند و او را مورد تعرض قرار می‌دهد و اضرائی به او وارد می‌کند، این نتیجه عداوت است. در معنای دوم نتیجه عداوت است و این موجود در دیگری اثر اضرائی می‌گذارد و او را اذیت می‌کند ولی به‌عنوان یک کیف نفسانی نفرت و کینه در این جا خبری نیست، یا اصلاً نیست یا این که ضدش است. وقتی که کلمه عدو و عداوت و امثال این‌ها استعمال شود قاعداً بر معنای اولیه حمل می‌شود که معنای ظاهری و حقیقی است، اما در معنای دوم به‌کار رفتنش نیاز به قرینه و چیز خاصی دارد.

کاربرد مجازی «عَدُوٌّ» در قرآن

در قرآن در دو جا عداوت به معنای دوم به‌کار رفته است:

الف. مفهوم «عَدُوٌّ» برای ذی‌شعور

یکی در همین آیه شریفه که به انسان‌هایی که کیف نفسانی کینه و نفرت در آن‌ها نسبت به دیگری نیست، نسبت عداوت داده است با این که خود آن کیف نفسانی خاصه نیست و بلکه خلافتش است و محبت است، اما چون نتیجه آن ضرر زدن است تعبیر به عدو کرده است. پس معنای دوم در قرآن دو نوع استعمال دارد، یک نوع استعمالش در انسان‌ها است که کیف نفسانی مضاد آن است منتها چون نتیجه اضرائی می‌دهد قرآن به آن عداوت می‌گوید، **إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ**، این یک مورد است.

ب. مفهوم «عَدُوٌّ» برای غیر ذی‌شعور

یک مورد از این وسیع تر است، به موجودات غیر ذی‌شعور نسبت این امر داده است و آن در آیه ۷۵ سوره شعرا است که در مفردات هم این را آورده است، در آن جا آمده است که قصه حضرت ابراهیم است که **يَدَّ اللَّهُ عَلَىٰ عَاكِفِينَ** که می‌گوید این اصنام شما چیست و کجاست؟ و آن‌ها می‌گویند **يَدَّ اللَّهُ عَلَىٰ عَاكِفِينَ** و حضرت می‌فرماید **كَلِمَةً عَدُوًّا لِي** **إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ** که **إِنَّهُمْ** در آن جا به اصنام برمی‌گردد. اصنام بی‌جان را عدو می‌گوید، البته گفته شده است که چرا می‌گویند **إِنَّهُمْ**؟ برای این که چون اصنام را معبود تلقی کردند گویا نوعی شعور به آن‌ها نسبت داده شده است و **إِنَّهُمْ** گفته شده است ولی واقع مسئله این بود که اصنام سنگ و چوب‌هایی بودند که در آن جا وجود داشتند، حضرت می‌فرماید **كَلِمَةً عَدُوًّا لِي** **إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ**، نظیر این عدو این جا در آن جا هم است، منتها آن یک نوع استعمال بود که در نوع اول بود که در موجودات ذی‌شعور بود و این نوع دوم در موجودات غیر ذی‌شعور است، گرچه با یک نوعی

تنزیل منزله ذی‌شعور می‌گوید إِنَّهُمْ و عدو، ولی بالاخره عدو در یک موجود ذی‌شعور به‌کار می‌رود، منتها در این قسم دوم هم نوعی تنزیل منزله ذی‌شعور است، هم به خاطر کلمه إِنَّهُمْ و هم این که بالاخره آدم انتظار دارد نوعی شعور در عدو باشد ولی در واقعاً موجود جمادی است و شعوری هم در آن جا نیست که در آن جا هم تعبیر به عدو شده است. پس معنای دوم مجازی در دو جا استعمال شده است منتها در یک جا در موجودات حقیقتاً ذی‌شعوری است که صفت کیفیت نفسانیه مضاد با عداوت دارند منتها نتیجه‌اش نتیجه عداوتی است. مورد دوم از این معنای دوم در آن جایی است که در موجودات غیر ذی‌شعور از حیث این که تأثیری دارد در این که انسان گمراه شود، منتها نوع تأثیرش با مورد اول فرق دارد، این جماد است و تعبیر عدو شده است.

یک مبحث و نکته دیگری هم که دیروز عرض کردیم این بود که این استعمال در معنای دوم در این آیه و در سوره شعرا است و بقیه در همه جا عدو عداوت به معنای حقیقی قصدیه است و در این دو جا است که استثنا دارد و مجاز است.

مقصود از «عدواً» در «أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ»

آیه را دو جور می‌شود معنا کرد، یکی این است که بگوییم إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ، یعنی عداوت ظاهری، یعنی بعضی از زنان و فرزندان شما دشمن شما می‌شوند، مثلاً زن امام حسن دشمن امام حسن شد، فرزند حضرت نوح دشمن او شد، این یک معنا دارد که ممکن است کسی بگوید که بعضی زن و فرزندان شما دشمن شما می‌شوند یعنی دشمن به معنای حقیقی که عنوان قصدی است یعنی عداوت و کینه نسبت به شما پیدا می‌کنند و نسبت به این مواظبت و احتیاط کنید، یعنی ممکن است زنانتان یا فرزندانتان دشمن شما شوند، شما مواظبت کنید که آن‌ها دشمن شما نشوند یا اگر دشمن شما هستند به شما آسیبی نرسانند، این یک معنای حقیقی است. این یک معنا در آیه است.

ادله در غیر قصدیه بودن عدو

سؤال این است که چرا شما این را می‌برید به سمت عداوت غیر قصدیه‌ای که اثر عداوت را دارد نه خود عداوت؟ که می‌گویید که آن جایی است که محبت دارد ولی به خاطر محبت و روابط عاطفی که بین شما است و علاقه‌ای که به شما دارد مانع از عمل به وظائفتان می‌شود ولو محبت ظاهری است و هیچ کینه و نفرتی از شما ندارد و به خاطر علاقه‌ای که دارد مانع از هجرت و جهاد و تحصیل و انفاق و زکات شما می‌شود که چرا شما این را از آن معنای حقیقی به معنای دوم منصرف کردید؟

الف. شأن نزول آیه ۱۴ سوره تغابن

در این جا پاسخ به این سؤال که چرا از معنای حقیقی به معنای مجازی و معنای غیر ظاهر آیه را منصرف می‌کنید و به این معنا سوق می‌دهید، چند وجه در این جا می‌شود ذکر کرد، یک وجه همان شأن نزولها و روایاتی است که در ذیل آیه است، این روایات هم عامه دارد و هم خاصه دارد، البته شاید سند خیلی معتبری نداشته باشند ولی به هر حال عامه و خاصه دارند و شاید هم یکی از احادیث معتبر باشد، روایاتی است که در ذیل آیه است که می‌گوید شأن نزولش این جا است که کسانی که در بوادی بودند و مسلمان می‌شدند علاقه‌مند بودند که هجرت کنند و به مدینه نزد پیغمبر بیایند و گاهی زن و فرزندان مانع می‌شدند و بعد آن‌ها که آن جا می‌آمدند خیلی ناراحت می‌شدند، گاهی هم وقتی که نمی‌گذاشتند بیایند گاهی نمی‌آمدند و گاهی هم آن‌ها را رها می‌کردند و می‌آمدند و می‌گفتند که اگر ما بعد به هم رسیدیم و شما هم آمدید من دیگر با شما سر و کاری ندارم. یا مثلاً هجرت‌های دیگری است که از مکه به مدینه بوده است یا رفتن به جهاد بوده است، روایات دارد که این مربوط به این مورد است، این یک دلیل است که نمی‌شود این روایات را کنار گذاشت، یعنی در این جا دو معنا برای آیه متصور است و وقتی روایات می‌آید قرینه می‌شود بر این که در این جا مقصود معنای مجازی است. در همین روایات می‌گوید که آن‌ها دور او را می‌گرفتند و گریه می‌کردند و می‌گفتند اگر شما بروید ما چه کار می‌توانیم بکنیم که همین علاقه‌ها و وسائل مانع می‌شده است، حداقلش این است که کینه و نفرتی نبوده است، درست است که آن‌ها برای خودشان هم دل می‌سوزاندند و جدایی برایشان سخت بوده است، ولی همان جدایی هم که سخت بوده است به خاطر این بود که او را دوست می‌داشتند، حالا از باب این که عواطف دوستی‌های عاطفی اصیل بوده یا دوستی‌هایی بوده است که به امورشان رسیدگی کند، در هر حال کینه و عداوتی نبوده است و لذا این قرینه می‌شود برای این که این معنای مجازی است. دو معنا متصور است، یکی حقیقی و یکی مجازی، وجه اول این است که روایات قرینه می‌شود برای معنای مجازی، این نقشی است که گاهی روایات ایفا می‌کنند در این که معنا را عوض کنند.

دو. نظر علامه طباطبائی

یک وجه از ظاهر مرحوم علامه استفاده می‌شود، مرحوم علامه خواستند بگویند که شاید بشود از خود آیه هم این را استفاده کرد، با قرینه‌ای که می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ**، می‌گوید این که خطاب به مؤمنین آورد و بعد می‌گوید این‌ها دشمن شما هستند، یعنی از حیث این که شما مؤمنید آن‌ها مانع شما هستند، می‌گوید این وصف مشعر به علیت است، وصف **الَّذِينَ آمَنُوا** و **لَكُمْ** که خطاب به مؤمنین است یعنی این‌ها عدو

مؤمنین هستند، یعنی عدو بعد ایمانی تو هستند، عدو بعد ایمانی یعنی این که جهت مقابل ایمان شما می‌ایستد، این هم وجهی است که مرحوم علامه آوردند، البته این وجه هم در حد یک اشعار است یعنی دلیل و قرینه واضحی نیست که این طور است والا قرینه قطعی نمی‌شود و یک اشعاری در آن است که به مؤمنین می‌گوید این‌ها عدو شما هستند، یعنی عداوتشان و ضرر رساندنشان از حیث تعدی آن‌ها به ایمان شما است، این هم یک وجهی است که ایشان می‌فرمایند و در حد یک اشعار مانعی ندارد. متعلق عدو مؤمنین است و لکمی که خطاب بر مؤمنین است، می‌گوید این‌ها دشمن شما از حیث ایمانتان هستند. گاهی می‌گوید که هو عدو لک، به قول مطلق که این همان عداوت اولیه است ولی گاهی می‌گوید که یا ایها المؤمن إن زوجتك عدوة لک، یا ولدک عدو لک، این لک یعنی حیث مؤمنی او را مقصود قرار داده است و این نکته ظریفی است که مرحوم علامه دارند که چون خطاب به مؤمنین است، این قرینه می‌شود که عداوت مؤمن در این جا مقصود است، عداوت مؤمن یعنی آن جنبه‌ای که دارد به ایمان او لطمه می‌زند، نه این که دشمن شخص باشد بلکه دشمن ایمان اوست.

این وجه دوم اشعاری دارد والا به عنوان دلیل نمی‌تواند باشد برای این که ممکن است کسی بگوید دشمن ایمان است ولی همراه با کینه و عداوت است و مثل آن جایی است که فرزند یا زنی می‌خواهد ایمان انسان را خراب کند یعنی از باب بغض و کینه می‌خواهد ایمانش را خراب کند، نه این که از باب دوستی او را به راه دیگری می‌کشاند که اصلاً قصد عداوت و کینه ندارد، ممکن است اگر این وجه هم تمام شود آن حالت را درست می‌کند نه آن که در شأن نزول آمده است که از راه دوستی مانع او می‌شود که خیلی وقت‌ها می‌شود و واقعاً روابط خیلی خوبی دارند و در کمال محبت باهم هستند و به خاطر همان محبت حرف زن و فرزندش را گوش می‌کند و به سمت فساد می‌رود درحالی که او کینه‌ای در دل ندارد حتی این که او را به فساد می‌کشاند از باب دوستی این کار را می‌کند و ممکن است این را برای او خوشبختی بداند، آیه می‌خواهد این را هم بگیرد و مصداق بارزش این است ولی نکته دومی که مرحوم علامه می‌فرماید نمی‌تواند این را بگیرد، فوqش این است که می‌گوید آن جایی که با قصد و عنایت دنبال این است که ایمان او را خراب کند، یک قسم را می‌گیرد نه همه اقسام را.

سه. عدم افاده معنی جدید در عداوت حقیقی

وجه سومی در این جا می‌شود ذکر کرد و آن این است که آیه شریفه که **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَوْلَادِكُمْ وَعَدُوِّكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ**، اگر مقصود آن عداوت حقیقی ظاهری باشد، آن وقت آیه یک معنای جالب مفیدی شاید بگوییم ندارد ولی گاهی زن و فرزندان شما واقعاً دشمن شما می‌شوند و ممکن است لطمه‌ای به شما بزنند و شما مواظب باشید تا لطمه‌ای به شما نزنند، مثلاً ممکن است کسی بگوید این خیلی چیز جدیدی نیست، آن که نکته مهم دارد همان

است که در روایات آمده است. این هم یک وجهی است که کسی بگوید که حمل این بر معنای حقیقی افاده یک معنای جدیدی نمی‌کند، البته این وجه هم قابل جواب است به همان نکته‌ای که قبلاً عرض کردیم. می‌شود این را به معنای حقیقی‌اش گرفت و بگوییم عدو لکم یعنی گاهی می‌شود که زن و فرزندان شما دشمن شما می‌شوند و انسان‌های منحرفی می‌شوند و شما مؤمنید و در جبهه مقابل شما قرار می‌گیرند و می‌خواهند به شما لطمه بزنند، در نهج البلاغه می‌گوید که «وَ لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا»، یعنی در عهد رسول خدا وقتی می‌خواهد توبیخ کند و مذمت کند مسلمان‌هایی را که علقه‌های ایمانی‌شان ضعیف شده است، می‌فرماید که ما آن چنان علقه ایمانی داشتیم که در عهد رسول‌الله در برابر آباء و ابناءمان می‌ایستادیم و برای اسلام شمشیر می‌کشیدیم و اکنون شما این‌طور شدید. آیه معنای قشنگی دارد یعنی اگر شأن نزول هم نداشته باشد و آن نکته مرحوم علامه را هم بگیریم که نکته خوبی است، آیه معنا پیدا می‌کند که ممکن است زن و بچه‌های شما در جبهه مقابل شما قرار بگیرند و کینه و عداوت هم نسبت به شما دارند، مواظب باشید آن‌ها به شما لطمه نزنند و شما را به فساد و انحراف نکشانند.

جمع‌بندی ادله

تا این جا با این وجوهی که ما ذکر کردیم و دقت‌هایی که کردیم در این جا در آیه در حقیقت سه احتمال وجود دارد، یک احتمال این است که عدو را در این جا به معنای عداوت حقیقی بگیریم و عداوت نسبت به دشمنی شخصی بگیریم یعنی این که زن و فرزند دشمن کسی می‌شود و دشمن خونی او می‌شود یعنی دشمنی مطلق است یعنی می‌خواهد به جان و مال او لطمه بزند مثل دشمنی زن امام حسن یا زن امام رضا که کلاً دوستش ندارد و دشمنش است، این یک نوع است که ممکن است بگوییم یک مصداقی برای آیه است که *إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ*، یعنی ممکن است که کسی واقعاً دشمن کل وجود شخص دیگری شود که این یک معنا است و گاهی این‌طور می‌شود یعنی واقعاً کسی دشمن آدم می‌شود یعنی علقه‌های دوستی تمام می‌شود، بحث این نیست که می‌خواهد ایمانش را خراب کند بلکه اصلاً دوستش ندارد و دشمنش است که می‌گوید یک احتیاطی در این جا داشته باش. معنای دوم این است که دشمنی ایمانی با او دارد ولی باز دشمنی دارد و کینه و عداوت دارد منتها کینه و عداوت ایمانی دارد و الا من حیث المجموع این‌طور نیست که دشمن مطلقش باشد ولی دشمن ایمان اوست و واقعاً می‌خواهد به ایمان او لطمه بزند، به حیثی که اگر ایمانش را از او بگیرد با او مشکلی ندارد، بر خلاف صورت اول، در این جا دشمنی حقیقی است اما خاص است و از حیث ایمانی او است که دشمنی می‌کند. معنای سوم آن جایی است که اصلاً در دل او قصدی نیست، نه قصد دشمنی

۱ - نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۹۱.

مطلق با شخصیت او دارد و نه دشمنی با شخصیت ایمانی او دارد و اصلاً قصد دشمنی ندارد، البته نتیجه دشمنی ایمانی را می‌دهد ولی دشمنی نیست، این آیه شریفه است.

این سه معنا شد که معنای اول و دوم هر دو می‌تواند حقیقی باشد و معنای سوم معنای مجازی می‌شود. با این بحث‌هایی که جلو آمدیم دستگاه آیه یک دستگاه جدیدی شد و آیه شریفه سه لایه پیدا کرد. روایاتی که در ذیل این آیه شریفه آمده است آن صورت دوم را نفی نمی‌کند برای این که روایات می‌گویند این‌ها مال جایی است که مانع هجرت می‌شدند، این هم می‌تواند آن حالت دوم باشد که یعنی با قصد و غرض می‌خواستند جلوی ایمان او را بگیرند و لطمه ایمانی به او بزنند که این شامل می‌شود و البته شامل آن جایی هم می‌شود که قصد و غرضی برای لطمه زدن نداشته است ولی به خاطر علاقه و محبت‌هایی که داشته است مانع می‌شده است که روایات این را هم می‌گیرد و نمی‌توانیم این قسم سوم را از آن بیرون ببریم، این از آن مواردی است که هفته قبل ما در تفسیرمان عرض کردیم.

نظر استاد اعرافی

یک قاعده‌ای عرض کردیم و آن قاعده این است که استعمال لفظ در اکثر از معنا، دو معنای حقیقی یا حقیقی و مجازی جایز است اگر قرینه‌ای باشد و گاهی روایاتی که در ذیل یک آیه وارد می‌شود اگر این روایات معنا را در معنای مجازی حصر کند، معنای آیه را عوض می‌کند ولی اگر حصر نکند و یک چیزی بگوید که با معنای مجازی هم سازگار است، نمی‌توانیم آیه را از معنای حقیقی‌اش برداریم و خود آن قرینه می‌شود که آیه هم زمان هر دو معنا را می‌گوید. ما بر اساس آن قاعده عرض نهایی‌مان در آیه شریفه این است که هیچ مانعی ندارد که بگوییم در درون آیه شریفه هر سه معنا وجود دارد. آیه می‌گوید **عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ**، یک نوع عداوت با خودتان است که یک نوع حذر و احتیاط می‌خواهد. معنای دومی که در ذیل آیه است این است که **عَدُوًّا لَكُمْ** یعنی عداوت ایمانی با شما دارد که معنای حقیقی است و **فَاحْذَرُوهُمْ** یک نوع **عَدُوًّا لَكُمْ** هم این است که قصد عداوت ندارد ولی نتیجه عداوت در آن است که باز هم **فَاحْذَرُوهُمْ**. آیه هر سه را و لا اقل دو و سه را شامل می‌شود، به قرینه روایات و استعمال لفظ هم در اکثر از معنا جایز است. ممکن است ما بگوییم معنای سوم هم یک نوع حقیقی است که عملاً به طور ناخودآگاه یک عداوت ایمانی در آن جا هم وجود دارد که اگر آن را بگوییم استعمال لفظ در معنای حقیقی است و منتها همه حالت‌ها را می‌گیرد، به همین دلیل است که ما در این آیه شریفه بعد از همه نکات دقیقی که مطرح شد می‌گوییم که آیه می‌گوید که رابطه شما با زن و فرزندان طوری است که گاهی مبدا به رابطه عداوت می‌شود منتها یا عداوت حقیقی کامل یا عداوت بعد ایمانی و یا محبت‌هایی که نتیجه‌اش عداوت است که همه این‌ها را شامل می‌شود و آیه از غرر آیات در بحث نگاه به خانواده و زن و فرزندان می‌شود که یک حذری شما داشته باشید، ممکن است این زن و فرزندان در یک شرایطی **عَدُو** شوند،

همان طور که حضرت ابراهیم گفتند اصنام، چوب و سنگ‌ها و موجودات بی‌جان «عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ» که ممکن است این‌ها اعداء شما شوند و مواظب باشید که لطمه‌ای به شما نزنند، منتها عدو همه این اقسام را می‌گیرد چون معنای حقیقی را نمی‌شود کنار بگذاریم و همه‌اش را می‌گیرد علاوه بر این که ممکن بود حتی سومی را هم به معنای حقیقی برگردانیم که در آن صورت اصلاً مشکلی در کار نیست و همه این‌ها مصادیق یک معنای حقیقی می‌شوند ولی سه نوعش هم هست. دشمنی‌هایی که ممکن است به شما لطمه بزند، دشمنی‌های ایمانی که این قطعاً مقصود است و اقدامات و فعالیت‌های غیر دشمنانه و کینه‌توزانه اما دارای نتیجه دشمنی که از همه این‌ها بر حذر باشید؛ یعنی در عین این که محبت فرزند گذاشته است و وظائف تربیتی را می‌گوید و حضانت و انفاق گذاشته است، از طرف دیگر هم می‌گوید که هوشیار باش که در این روابط ممکن است عداوت‌های معنوی پیدا شود و این‌ها به تو لطمه نزنند.

ما می‌گوییم آن‌ها حصر ندارد که بگوییم معنای مجازی است، یک چیزی می‌گوید که با معنای حقیقی‌اش هم می‌شود در آیه حفظ کرد و لذا می‌گوییم لفظ در دو معنا استعمال شده است، علاوه بر این که می‌گوییم حتی این معنای سوم هم اگر دقیق شویم ممکن است حقیقی باشد منتها آیه اطلاق دارد و آن وقت همه این‌ها را شامل می‌شود. معنای اول کمی مستبعدتر است ولی دو و سه حتماً هست، یعنی چه او قصد داشته باشد و چه قصد نداشته باشد ایمان شخص را که هدف‌گیری کرده است، می‌گوید این را توجه کنید و حذر داشته باشید.

سه. امر در «فَاحْذَرُوهُمْ»

الف. فلسفه تربیتی «فَاحْذَرُوهُمْ»

نکته بعدی در آیه شریفه فَاحْذَرُوهُمْ است، این امری است که مفید و جوب و الزام است و می‌گوید إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ، پس باید شما مواظب باشید، تعیین هم نکرده است که زن چه کسی و فرزند چه کسی، یک ابهام دارد و خطاب به همه است، بنابراین همه باید این احتمال را بدهند که زن و فرزندشان دشمنان او بشوند، چون مبهم گذاشته است این شمول دارد و لذا فَاحْذَرُوهُمْ مال همه است ولو این که مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ تبعیضیه است ولی چون معین نشده است فَاحْذَرُوهُمْ مال همه می‌شود، این هم یک نکته است که فلسفه تربیتی خیلی مهمی دارد یعنی همه باید همیشه این احتمال را بدهند، این خطاب عام و مبهم است و همه باید همیشه این احتمال را بدهند. این یک نکته است و بر اساس این فَاحْذَرُوهُمْ شمول دارد و همه مکلفین را شامل می‌شود. به همه مؤمنان خطاب می‌کند که برخی از

افرادی که اطراف شما هستند عدوّ شما هستند و این عداوت هم عداوت آشکاری نیست و لذا خطاب عمومی است و این امر حذر هم عمومی است.

ب. وجوب در «فَاحْذَرُوهُمْ»

مطلب بعدی این است که این حذر که امر وجوبی است، وجوب این وجوب طریقی است، کونوا علی حذر، در حال احتیاط باشید و توجه داشته باشید و بیدار باشید و دقت کنید، این‌ها همه در واقع امر طریقی است، یعنی توجه کنید که در آن گناهان نیافتید والا اوامر و نواهی شرعی همان گناهان است، آن واجبات است، مواظب باشید که این شما را از آن واجبات دور نکند و به آن محرمات مبتلا نکند و لذا بر طبق بحث سابقمان وجوب حذر در این جا ولو این که امر است و وجوبی است ولی ظاهرش این است که وجوب طریقی است، اصولاً هر جا احتیاط امر شود ظهور عرفی‌اش همان وجوب طریقی است نه این که غیر از مخالفت واقع شما یک عقاب دیگری داشته باشید، یعنی اگر کسی احتیاط نکرد و توجه به این دشمنی نکرد و به خاطر زنش یا شوهرش یا فرزندش از جهاد یا تکلیفش بازماند گنااهش همان است و این که احتیاط نکرد طریق به آن است.

و صلی‌الله علی محمد و آل محمد